

عرفان صوفی و معماری مقبره در اوایل قرن چهاردهم^۱

نویسنده:

شیلا اس. بلر^۲

ترجمه:

زهرا رضایتی

دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته «مهندسی معماری»، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

سهروردی [و] اهل نطنز به نام شیخ نورالدین عبدالصمد اصفهانی در گذشته به سال ۶۹۹ هجری قمری (۱۳۰۰-۱۲۹۹ میلادی)، واقع شده است. این اقامتگاه منحصربه‌فرد با سیاقی نامنظم در ابعاد ۵۵ متر در راستای جنوب شرقی و ۴۲ متر در راستای شمالی-جنوبی دارای مسجد، مناره و صفه‌ای در اطراف مقبره شیخ می‌باشد

با نزدیک شدن به این اقامتگاه از سمت جنوب (تصویر ۱) بازدید کننده در ابتدا با مناره‌ای ۳۷ متری که بر فراز سقف هرمی مقبره شیخ تعبیه گردیده، مواجه می‌شود. ایوان‌های متکی به تزئینات مقرنس، میل مناره را به سه بخش مجزا تقسیم می‌نماید. این همان سازمان‌دهی محور عمودی نمای اصلی است. در سمت چپ، یک نیمه گنبد مقرنس مرتفع قرار دارد که درگاه ورودی را در بر گرفته است. کتیبه‌ای از [محل] شالوده ساختمان به دست آمده، [کاربری آن] به عنوان خانقاه صوفیان فقیر را مشخص می‌کند. سمت راست، ورودی کوتاه‌تر و مسطح‌تری که به یک دالان باریک منتهی می‌گردد، قرار گرفته است. این دالان باریک، شالوده اصلی فضای داخلی به‌جا مانده از آرامگاه (تصویر ۲) است.

با حرکت در امتداد دالان، اولین در، در سمت چپ به اتاق‌های فرعی پشت میل مناره می‌رسد، در حالی که در دوم به اندرونی مقبره شیخ، اتاق کوچک ۶ متری کناری ختم می‌گردد (تصویر ۳). طاقچه‌هایی در کنج‌های اصلی، برای تبدیل [پلان] مربع به هشت‌ضلعی طراحی شده‌اند.

ابن بطوطه^۳، جهان‌گردی ماجراجو در دوم رجب سال ۷۲۵ هجری قمری (۱۳ ژوئن ۱۳۲۵ میلادی)، موطن خود در [شهر] طنجه^۴ را ترک نمود و راهی سفری شگرف به درازای ربع قرن شد. سفری که منجر به اشراف تمام و کمال او در حوزه [فرهنگ و تمدن] اسلامی گردید. او برای انجام [فریضه] حج [ابتدا] مسیر شمال آفریقا را در پیش گرفت [و سپس] از فلات ایران عبور کرد، از قسطنطنیه و اردوی زرین^۵ [یا خاقانات قپچاق] بازدید کرد، از طریق دریای سرخ به مالدیو، هند، سوماترا، مالابار و حتی سواحل چین عزیمت نمود. در رجعت به خانه، به نوشتن سفرنامه‌ای مبادرت ورزید که او را در زمره نامدارترین جهان‌گردان دنیا قرار داد.^(۱) شایان ذکر است او در طول این سفر هزینه‌ای برای اسکان خود پرداخت ننمود. در عوض، در سرای حاکمان و یا مراکز مشهور مذهبی جهان اسلام سکنی می‌گزید. در این مقاله به بررسی سه [مورد از] «شهرهای کوچک خدا»، خانقاه‌هایی در اطراف مدفن شیوخ صوفی که ممکن است ابن بطوطه در آن‌جا سکنی گزیده باشد، پرداخته شده است.^(۲) هر سه متعلق به یک دوره تاریخی، اما در قلمروهای جغرافیایی سلسله ایلخانان در ایران، دودمان ممالیک مصر و دوره مرینیان در مراکش قرار داشته و بر زوایای مختلف پدیده‌ای مشترک، [که همانا] تکریم و ستایش عرفای قرون وسطای اسلامی‌ست، دلالت داشتند.

اولین اقامتگاه در میانه فلات ایران، در شهر نطنز قرار داشت. شهر کوچکی در ۱۳۰ کیلومتری اصفهان در مسیر جاده قدیمی که شهرهای قم و کاشان را از طریق اردستان و یزد به یکدیگر متصل می‌نمود. این اقامتگاه، در اطراف آرامگاه یکی از مریدان مکتب

^۱ On the Role of Nature in Modernist Painting, Art and Culture (critical essays), by Clement Greenberg, 1949, p.171-174 .

Email: rezayatishadi@gmail.com

^۲ Sheila S. Blair

^۳ Ibn Battuta

^۴ Tangier

^۵ Golden Horde

در انتهای دالان بازدید کننده با گردش به سمت چپ به مستراح و وضوخانه می‌رسد. با گردش به راست بازدید کننده به حیاط مسجد جامع راه می‌یابد. با در نظر گرفتن ۱۴ متر در یک جانب، حیاط به وسیله چهار ایوان با طول و عرض متفاوت که با دو اتاق به یکدیگر متصل گردیده، احاطه شده است. در گوشه جنوب شرقی، تالار فراخ سرپوشیده‌ای تعبیه شده که به عنوان مسجد زمستانی از آن استفاده می‌شود. محرابی از دیوار پستی ایوان جنوبی پیش نشسته، اما در ارتفاع دو متری در راستای غرب، گنبدخانه‌ای هشت‌وجهی قرار دارد.

ساختمان‌ها از آجرهای پخته‌شده هم‌اندازه ساخته شده به استثنای بخشی از محراب هشت‌ضلعی که از مستطیل‌های بزرگتری ساخته شده است. رنگ و لعاب به نمای جنوبی و میل مناره سرزندگی داده است. قطعه‌های کاشی پیمون‌شده در سه رنگ (آبی تیره، آبی روشن و سفید) ملهم از الگوهای برجسته موزاییک لعابدار (تصویر ۴)، و آجرهای لعاب‌دیده با آبی روشن بر زمینه خشتی ساده، که به این اسلوب اصطلاحاً بنایی گفته می‌شود، برای نگارش اسامی و عبارات مقدّس به کار برده شده است. گچ‌بری منقوش، سطوح داخلی را می‌پوشاند. قطعات استادانه کتیبه‌های نواری ملهم از کتیبه‌های گل و گلدان و کاشی‌کاری سیاق عربی-اسلامی، قوس داخلی طاق ایوان شمالی را به گونه‌ای چلیپایی درنوردیده و فراز دیوارهای مقبره توسط یک گنبد بسیار زیبا با ۱۰ ردیف مقرنس را نیز احاطه نموده است. [طرحی که] احتمالاً پوسته‌ای معلق از سقف هرمی خارجی را به ذهن متبادر می‌نماید که با آجرهای لعابی به رنگ آبی روشن پوشانده شده است. گزارش‌های مسافر و آثار ناچیز به جامانده از گچ‌بری، گویای آن است که این مقبره دارای ازاره‌ای پوشیده از ستاره‌های برآق و کاشی‌های متقاطع بوده است. کاشی‌های برآق دیگری ممکن است مقبره‌هایی با کاربرد صرفاً یادمانی بدون حضور جسد را پوشانده باشند. به طور خلاصه، این آرامگاه، فهرستی از شیوه‌ها و اسلوب تزئینی است که در اوایل قرن ۱۴ میلادی در ایران به کار رفته است.

اندازه‌های مختلف آجر، ترازهای متفاوت، فضاهای نامنظم و نمای بیرونی حاکی از آن است که این مجموعه به عنوان یک عمل‌کرد واحد سازمان‌دهی نگردیده، بلکه با سازه‌های پیشین موجود در سایت سازگار شده است. با این وجود، بیشتر آن چه امروز مشاهده می‌نماییم نتیجه اقداماتی است که در قرن چهاردهم تحت حمایت یکی از امیران ایلخانی، خلیفه زین‌الدین حسین مستری صورت پذیرفته است. در بازه زمانی سال‌های ۲۵-۱۳۲۴ یکی

دیگر از حاکمان محلی، بازسازی و تعمیراتی جزئی انجام داد. همه این اقدامات توسط گروهی از صدرات (مستوفیان موقوفات)، که احتمالاً از مریدان شیخ بودند، صورت گرفته است. (۳) تقریباً هم‌زمان با مجموعه آرامگاهی شیخ عبدالصمد در نطنز، مقبره‌ای در گورستان جنوبی قاهره، درست خارج از باب‌القرافه در جاده اصلی به سمت جنوب، مقبره محمد بن ادریس شافعی وجود دارد. این مجموعه که مشهور به جامع‌الغدیریّه یا جامع‌السیدی اول است، مقبره زین‌الدین یوسف، شیخ عدویه درگذشته در ربیع‌الاول سال ۶۹۷ هجری قمری (دسامبر ۱۲۹۷ میلادی)، را دربرگرفته است. (تصویر ۵).

سر دری بلند مزین به مقرنس در انتهای شمالی نمای شمال شرقی امکان دسترسی به مجموعه را فراهم می‌کند (تصویر ۶). بازدید کننده می‌تواند از طریق هشتی چلیپایی طاقدار با گردش به سمت راست به یک اتاق شمالی کوچک وارد شود، اما برای ورود به مجموعه می‌بایست خم شود و ابتدا به سمت چپ و سپس به سمت راست حرکت کند تا به ایوانی مستطیل شکل در پیش رو به ابعاد ۱۰×۵ متر در حیاط برسد. ایوان‌هایی در اندازه‌های مختلف، جهات دیگر حیاط را احاطه کرده‌اند: ایوان سمت مقابل در سوی جنوب شرقی، عریض و کم‌عمق (ابعاد ۵.۶ در ۳.۹ متر) و شامل محراب تعبیه شده در دیواره پستی است.

از ایوان سوی قبله، بازدید کننده می‌تواند به یک اتاق چلیپایی طاق‌دار یک طبقه وارد شود، که جهت شرقی یا آرامگاه بزرگ واقع در برج گوشه جنوبی را فراگرفته است. اتاق مربع شکل آن، با گستردگی بیشتر از ۵ متر در یک طرف، دارای گنبدی بلند با لبه تزئینات قاشقی که با شیارهای عمودی بر فراز آن حکاکی شده، جلوه‌گر است (تصویر ۷-۸). درهای متفاوت در ضلع جنوب غربی بنا، ضلع روبروی نمای خیابان اصلی، حاکی از آن است که این مجموعه به منظور گسترش بیشتر در جناح غربی طراحی شده بود، اما هرگز این طرح به پایان نرسید.

خارج از مجموعه، رفیع‌تر از سر در ورودی، درگاه دیگری با نمای داخلی مزین به تزئینات مقرنس قرار دارد و اکنون در انزوایی باشکوه بر پای ایستاده است. اما نتیجه کاوش‌های انتشار نیافته در [قسمت] مقابل نمای اصلی، آثاری ناچیز از دیوارها و آب‌نمایی را نشان می‌دهد که احتمالاً متعلق به فضای وضوخانه، قنات و سایر متعلقات مذکور در گذشته بوده که اکنون از بین رفته است.

همانند سیاق غالب معماری قرون وسطایی قاهره، دیوارهای خارجی مجموعه از سنگ آهک خردشده ساخته شده است. از

از دوردست، بازدید کننده قادر است بلندای مناره‌ها و مجموعه واقع در دامنه تپه را مشاهده نماید، اما با بالا رفتن از شیب، او خود را در راه باریکی هم‌مرز با دیوارهای بلند سفید می‌یابد (تصویر ۹). مقبره از دامنه سمت چپ آشکار می‌گردد (تصاویر ۱۱-۱۰-۹). بازدید کننده با پایین آمدن از چند پله به یک سرسرای ۵.۴ مترمربعی شامل یک حوض، آتریومی چهارضلعی که ستون‌ها و سرستون‌های مرمرین آن را از کاخ سلاطین مرینیان در شهر منصوره آورده‌اند، مواجه می‌گردد. در سمت شرق و اندکی با فاصله اتاقک مقبره قرار دارد. [اتاقک] مربعی گنبددار [که] به وسیله سقف هرمی با لعاب سبز پوشیده شده است. سرتا سر آرامگاه در سال ۱۷۹۳ میلادی مرمت گردید.

در زیر مقبره و محیط [بر محور عمودی] اطراف آن در شمال و غرب، یک سازه مخروبه با چند اتاق که به عنوان دارالسلطان یا کاخ سلطان شناخته می‌شود، قرار دارد. جبهه غربی بنا شامل یک حیاط خلوت به انضمام یک آب‌نمای مستطیل شکل و رواق‌های سرپوشیده با جهت‌گیری شمالی-جنوبی است. در سمت مقابل در بال شرقی، دوازده اتاق یا بیشتر وجود دارد که تعدادی از آن‌ها تقریباً ۱۲ متر طول دارند اما عرض آن‌ها بیش از ۳ متر نیست. آثار تزئینات مجلل علی‌رغم وضعیتی نابسامان، کیفیت مطلوب آن را گواهی می‌دهد. هیچ کتیبه‌ای کاربری آن را مشخص نمی‌کند. این مکان شاید به عنوان محل اقامت برای حامی یا بازدیدکنندگان ثروتمند به کار می‌رفته و اشاره به موضوع کاربری مسجد و مدرسه و محل تهیه غذا برای ساکنان زاویه (مکان آموزش صوفیان) در سند وقفنامه، فرض اخیر را به‌ویژه امکان‌پذیر می‌نماید.

در آن سوی گذرگاه باریک، ورودی مسجد قرار گرفته، که به شکل مستطیلی به ابعاد ۱۸.۹ در ۲۸.۴۵ متر است. مناره‌ای به ارتفاع ۲۷.۵ متر در گوشه شمال غربی سربرآورده است. در مرکز نما، دروازه یادبودی با نمای کاشی‌کاری قرار دارد. بازدید کننده با بالا رفتن از ۱۱ پله، به یک هشتی ورودی با تزئینات ظریف و پوشیده از طاق‌های مقرنس می‌رسد (تصویر ۱۲).

درهای سمت راست و چپ به اتاق‌های کوچک مدرسه قرآن و منزل‌گاهی برای بازدیدکنندگان منتهی می‌گردند، اما با طی نمودن امتداد مستقیم مسیر در جهت درهای برنزی یادبود، بازدید کننده وارد صحن با طاق‌های متوالی می‌شود (تصویر ۱۳). در مرکز، یک آب‌نما قرار دارد و پشت آن شبستانی سرپوشیده قرار دارد.

خشت برای ساختن دیوارهای داخلی، طاق‌ها و گنبد مقبره استفاده شده است. تزئینات پیرامون حیاط منحصر به نوار کتیبه‌ای در مقطعی گچ‌بری شده است که محیط ایوان‌ها را در زیر دهانه طاق‌ها درمی‌نوردد، در حالی که مجموعه‌ای چشمگیر از شیوه‌های تزئینی بر روی مقبره به صورت عمده اجرا شده است. شیشه‌های رنگی، توری‌های گچ‌بری اطراف پنجره‌ها را پوشانده‌اند. همانند مجموعه شیخ عبدالصمد در نطنز، مقبره زین‌الدین یوسف در قاهره نیز دارای مستندات ناچیزی در منابع تاریخی است، اما تاریخ‌های موجود در کتیبه‌ها همراه با ملاحظات معماری به لایلا ابراهیم اجازه می‌دهد تا تاریخچه‌ای از آن را ترسیم نماید. یک تخته سنگ مرمر حجاری شده بر فراز ورودی اصلی، روایت‌گر آن است که مقبره هفت ماه پس از درگذشت شیخ در شوال ۶۹۷ هجری قمری (۱۲۹۸ میلادی) به پایان رسیده است. شالوده اولیه بنا احتمالاً شامل مقبره و اتاق‌های فرعی در شرق با گستردگی به سمت جنوب شرقی و شمال شرقی بوده است. سپس در سال ۱۳۲۵ میلادی مجموعه با یک طرح چلیپایی سازگار گردید: دیوار شمال شرقی گسترش یافت، ایوان‌های طاقدار ساخته شد، و درگاه اصلی و اتاق شمالی اضافه گردید. سرانجام در بازه زمانی میان سال‌های ۱۳۳۵-۳۶ میلادی وضوخانه و متعلقات آن در فضایی جا نمایی گردید که توسط یک درگاه بزرگ دیگر در جهت شمال شرقی برجسته شده بود. عجیب آن‌که، تمامی کتیبه‌ها بی‌نام هستند: برخلاف سیاق متداول متون قاهره، نام هیچ حامی‌ای در آن‌ها ذکر نشده؛ با این وجود کیفیت ساخت‌وساز و تجمل تزئینات، حاکی از صرف هزینه قابل توجهی است.^(۴)

اندکی متأخر از این دو مجموعه و حتی بدیع‌تر از آن‌ها، زیارتگاهی در دامنه شمالی کوه مفروش در قریه عبّاد، دو کیلومتری جنوب شرقی شهر تلمسان در غرب کشور الجزایر نزدیک منطقه مرزی مراکش واقع شده است. آرامگاه ابومدین شعیب، عارف مشهور اندلس درگذشته به سال ۱۱۹۷ میلادی، در مرکز این مجموعه قرار گرفته است. بلافاصله پس از مرگ او، در دوره حکومت موحدون [او در زمان حکمرانی الناصر لدین الله محمد بن المنصور (۱۲۱۴-۱۱۹۹ میلادی)، بر مزار وی مقبره‌ای ساخته شد. اما در اوایل قرن چهاردهم [او در دوره حکومت بنی مرین، سلطان ابوالحسن علی آن را به یک مجموعه آرامگاهی شامل مسجد، مدرسه، وضوخانه و اقامت‌گاه تبدیل کرد.

چهار رواق طاق‌دار متوالی فضا را به پنج راهرو عمود بر قبله تقسیم می‌کند (تصویر ۱۴). چهار راهروی جانبی به گشودگی بین ستون‌های در راستای محراب منتهی می‌شوند؛ فاصله ستون تا ستون دهانه طاق بالای راهروی مرکزی در مقابل محراب، توسط یک گنبد گچ‌بری مشبک پوشانده شده است. محراب در دیوار قبله تعبیه و در یک اتاق کوچک محصور شده است. درهای انتهای شمالی نمازخانه، تقریباً در مرکز راهروهای جانبی، به سمت بیرون هدایت می‌شوند و دسترسی مستقیمی به ساختمان‌های فرعی مسجد دارند. درهای انتهایی جهت شمالی نمازخانه، تقریباً در مرکز راهروهای جانبی، به سمت بیرون راه می‌یابند و دسترسی مستقیمی به ساختمان‌های فرعی مسجد دارند.

در سمت شرق و در امتداد یک دالان کوچک، وضوخانه قرار دارد. سرویس‌های بهداشتی در یک ساختار دوزنقه‌ای قرار گرفته که مساحت آن ۱۰.۵ در ۸ متر است. شخص، از طریق یک درگاه در مرکز طولانی‌ترین ضلع مقابل مسجد وارد می‌شود. گنبدی بر فراز حیاط مرکزی به شکل مربع به ضلع ۴.۵ متر شامل وضوخانه‌ای با آب جاری در برابر دیوار شرقی قرار گرفته است. خوابگاه‌های کوچکی از سه جانب دیگر احداث شده‌اند.

حمام‌ها در مجاورت سرویس‌های بهداشتی جنوبی قرار دارند. با ورود از دالان مشابه، بازدید کننده با حرکت در امتداد یک راهروی کوتاه به یک اتاق گنبددار متصل به سرویس‌های بهداشتی جناح شمالی می‌رسد که با ابعاد ۶ در ۸ متر، عمل‌کردی به عنوان سربینه داشت. در جنوب شرقی از طریق یک در بزرگ، مجموعه‌ای سه اتاق هر کدام به عمق ۸ متر واقع شده که به عنوان فضایی با کاربری استخر-آب-سرد^۵ و حمام-آب-گرم^۶ عمل می‌کنند.

در قسمت غربی مسجد، در مقابل یک دالان دیگر، بلندترین ساختمان این گروه یعنی مسجد قرار دارد. ۱۵ پله به درگاه اصلی منتهی می‌گردد که با کاشی مزین شده است (تصویر ۱۵).

در ورودی به یک حیاط تقریباً مربع شکل طاق‌دار با حوضچه مرکزی منتهی می‌شود (تصویر ۱۶). پس از آن یک نمازخانه مربع شکل با سقف گنبدی و محراب قرار دارد. حجره‌های کوچک طلب، هر کدام به عرض ۲.۸۵ متر و عمق ۲ متر طرفین جانبی

مدرسه را فراگرفته است. ۱۲ حجره در طبقه همکف و ۱۲ حجره دیگر در طبقه فوقانی وجود دارد که به وسیله پلکانی در سمت چپ ورودی قابل دسترسی است. در گوشه جنوب شرقی طبقه همکف چهار حجره اضافی وجود دارد که از طریق در کوچکی از حیاط قابل دسترسی است و شاید اقامتگاهی برای استاد باشد. در گوشه مخالف (شمال غربی) فضای سرویس بهداشتی با هشت اطاق و حوض مستطیل شکل قرار دارد. تمام ساختمان‌های مجموعه «عباد» که از آجر ساخته شده‌اند، با شیوه‌ها و اسلوب‌های معماری مرینیان به صورت غنی تزئین شده‌اند. دیوارها با ازاره‌ای از موزائیک زلیچ^۷ پوشیده شده که تزئینات گچ‌بری منحنی در بالای آن قرار گرفته است. جنگل‌های اطراف، چوب تقریباً بیشتری نسبت به سایر مناطق جهان اسلام تأمین نموده، که از آن برای سقف‌ها، سایبان‌ها و پایه گنبد در مدرسه استفاده شده است. حمایت مالی در سطح عالی در تزئینات و مجلل شامل درهای برنزی خارق‌العاده برای مسجد و ستون‌ها و سرستون‌های عقیق نمایان است.

کتیبه‌ای بر فراز مدخل مسجد به ما می‌گوید که فرمانروای مرینیان ابوالحسن علی دستور ساخت آن را در سال ۷۳۹ هجری قمری (۱۳۳۸-۳۹ میلادی) صادر نموده است. نام او بر روی عناصر به‌جا مانده مختلف معماری مانند سرستون‌ها و ستون‌ها تکرار شده است. شعری در پیرامون پایه گنبد مدرسه تاریخ هشت سال بعد را نشان می‌دهد، ۲ ربیع ۷۴۷ هجری قمری (ژوئیه-اگوست ۱۳۴۶ میلادی) و ممکن است پایان کار ساخت بنا را متذکر شده باشد. در یک لوح مرمرین متن وقف‌نامه مسجد و مدرسه محفوظ نگاه داشته است.^(۵)

بنابراین، این‌ها سه نمونه از مجموعه‌های آرامگاهی است که در نیمه اول قرن چهاردهم در اطراف مقبره‌های مشایخ صوفیه ساخته شده است. دو نفر اول، شیوخ پایین‌رتبه‌ای بودند که به نام آن‌ها تنها در ادبیات قدیس‌نگاری (سپنت نگاری)^۸ اشاره گردیده است. عبدالصمد عضو فرقه سهروردیه، یکی از دو فرمانروای اصلی در ایران دوره ایلخانی بود. او خرقه خود را از نجیب‌الدین بُزْغَش (متوفی ۱۲۷۹ میلادی) در شیراز تحویل گرفت، که به نوبه خود یکی از مشهورترین شاگردان شهاب‌الدین ابوحفص عمر سهروردی (متوفی ۱۲۳۴ میلادی)، برادرزاده ضیاء‌الدین ابوالنجیب سهروردی، بنیانگذار فرقه بود. از نوشته‌های

^۷ Zellij

^۸ Hagiography

^۵ frigidarium

^۶ tepidarium

در مقابل، ابومدین شعیب عارف شناخته شده اندلس بود که تقریباً ۱۵۰ سال قبل از او درگذشته بود. او حدوداً به سال ۱۱۲۶ میلادی در کانتینانا^۱، شهری کوچک در ۲۰ مایلی شمال-شمال شرقی سویا متولد شد. از لحاظ تجارت، پیشه بافندگی داشت، عطش دانش او را به فاس سوق داد و حتی به عراق رفت و در آنجا با سنت‌های عرفانی بزرگ آشنا شد. او به شمال آفریقا بازگشت و در بوگی^{۱۱} اقامت گزید، جایی که دانش و اعتبار او حسادت علمای موحدون را به خود جلب کرد، تا جایی که وی را به پایتخت در مراکش فراخواندند. در مسیر، در «عباد» درگذشت که احتمالاً در حال حاضر مرکزی برای حلقه‌ای از مریدان صوفیه است. پس از وفات او در سال ۱۱۹۷ میلادی، پسرانش به مصر نقل مکان نمودند. «طریقت» او توسط شاگردش عبدالسلام بن مَشیش تداوم یافت، کسی که شاگرد او ابوالحسن علی شادلی مهم‌ترین فرقه را در شمال آفریقا بنیان نهاد.^(۹)

سنت اولیه تصوف ابومدین نیز ادامه داشت و مقبره ابومدین در خارج از تلمسان مرکز یک زیارتگاه عمومی قرار گرفت و توسط مقبره‌های کوچکتر و دیگری احاطه شد. شرایط تاریخی و سیاسی راوی آن است که چرا سلطان بنی مرین، ابوالحسن علی تصمیم به بنای این یادبود ۱۵۰ سال پس از مرگ شیخ گرفت. پس از یک محاصره دو ساله، سلطان مرینیان در ۲۷ رمضان ۷۳۷ هجری قمری (اول می ۱۳۳۷ میلادی) پایتخت موحدون، تلمسان، را تصرف کرد. مطمئناً وی به عنوان بخشی از بزرگداشت این پیروزی، مقبره را به یک مجموعه یادمانی تبدیل کرد.

عنصر بلاغی بنیان پارسیایی وی در کتیبه‌های سراسر مسجد مشهود است. در کتیبه سایه‌بان‌دار سمت چپ ورودی ایوان نوشته شده است: این همان چیزی است که ابوالحسن علی دستور داده است. دیگری در سمت راست از خدا می‌خواهد تا او را نصرت، به در دست آوردن غنایم و فتح مبین یاری کند (ایده الله بالنصر و التمکین و الفتح المبین). جملات استفاده شده، آیات قرآنی حکاکی شده در گچ‌بری را بازتاب می‌دهد. کتیبه نواری فوقانی دیوارهای جانبی، آیه قرآنی ۱۲۶:۳ را تکرار می‌کند: «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ ۗ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (آل عمران: ۱۲۶)؛ کتیبه نواری درگاه اصلی در سمت راست درهای برنزی جمله‌ای از آیه ۱۳:۶۱

عبدالصمد نمونه‌ای برای ما باقی نمانده است. با توجه به اشعار جامی، او هم دانش باطنی و هم رمزی داشت و دارای دو شاگرد مشهور بود، عزالدین محمود بن علی بن محمد بن ابی طاهر کاشانی نطنزی (متوفی ۳۵-۱۳۳۴ میلادی) و کمال الدین عبدالرزاق بن ابی‌غنائم کاشانی (متوفی ۱۳۳۵ میلادی)، که هر دو در تألیفات علمی درخشان‌تر از استاد خود بودند.^(۶) شیخ عبدالصمد در نطنز زندگی و تدریس می‌نمود. هنگامی که وی درگذشت، یکی از مریدانش، که یکی از امیران ایلخانی بود، محل سکونت و تدریس وی را به یک مجموعه بزرگ در اطراف آرامگاهش تبدیل نمود.

زین‌الدین یوسف از مریدان «عدویه» بود، فرقه‌ای که شیخ عدی بن مسافر حکاری آن را بنیان نهاد. عدی در نزدیکی بعلبک متولد شد و سفرهای دور و درازی را تجربه کرد و مدت زیادی را در بیابان گذراند و سرانجام در لالش^۹ در نزدیکی موصل اقامت گزید و در آنجا خانقاهی تأسیس نمود و فرقه «عدویه» را آغاز کرد. هنگامی که وی در سال ۱۱۶۲ میلادی بدون وارث درگذشت، رهبری از فرزندان برادرش، «صخر» برگزیده شد. این فرقه عمدتاً به کردهایی محدود می‌شد که متعصبانه به «عدی» ارادت داشتند و در مزار وی عبادت می‌کردند. این فرقه سرانجام مورد توجه مقامات قرار گرفت: در سال ۱۲۴۶ میلادی بدرالدین لؤلؤ، نوه صخر، شمس‌الدین حسن را به قتل رسانید و در سال ۱۲۵۷ میلادی پسرش شرف‌الدین محمد برای کمک به عزالدین، کیخسروی مالاتیایا، فرا خوانده شد.^(۷)

زین‌الدین یوسف، شخصی که در قاهره به خاک سپرده شد، فرزند شرف‌الدین محمد بود. به گفته العُمَری، وی به سوریه نقل مکان کرد و در نزدیکی محل تولد «عدی» در خارج از بعلبک با ملتزمین بسیار شامل، مملوکین (بردگان)، غلامان و کنیزکان، ساکن شد. او به اندازه کافی قدرت داشت که بتواند لقب امیر را باز پس گیرد و سرانجام حاکمیت محلی را با غلبه بر اشرف خلیل از سلاطین دوره مملوک در سال ۱۲۸۸ میلادی به دست آورد.^(۸) احتمالاً مشاجره در خانواده وی آغاز شده بوده زیرا زین‌الدین یوسف، ثروت و اعتبار خود در سوریه را رها نمود و به مصر آمد و در آنجا «عدویه» را تأسیس کرد. محل تدریسش نامشخص است، اما پس از مرگ، وی را در قبرستان جنوبی به خاک سپردند و مقبره‌ای بر فراز مزار وی برپا داشتند.

^{۱۱} Bougie

^۹ Laliş

^{۱۰} Cantillana

دارد: «وَأَخْرَىٰ تَحِبُّونَهَا ۖ نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (صف: ۱۳)، این آیه در محراب نیز تکرار گردیده است.

به یک معنا، سلطان مرینیان باعث شد ابومدین به شهرت برسد، همان‌طور که ترمینگهام^{۱۲} گفته است؛ شهرت او نه از جهت سنت صوفیانه حفظ شده او، بلکه از طریق ترویج تقدیس مقبره او توسط سلطان مرینیان صورت گرفته است.^(۱۰) این یک مورد جداگانه از انتخاب مزار برای قدسین در گذشته جهت بزرگداشت نبود. لیزا گولومبیک توجه خود را به «شهرهای کوچک خدا» که از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۶۵ میلادی از جمله زیارتگاه‌های اطراف مقبره بایزید بسطامی (متوفی ۸۷۵ میلادی) و احمد جام (متوفی ۱۱۴۱ میلادی) در ایران مغول ایجاد شده است، متمرکز نمود.^(۱۱) او نتیجه گرفت؛ عنوان «شیخ» فراتر از «میخی» است که می‌توان کلاه را به آن آویزان کرد^{۱۳}، و بدیهی است که این مورد، در مورد ابومدین نیز صادق بود. وی توسعه این مراکز زیارتگاهی در ایران مغول را به دلیل ثروت جامعه صوفیه و نهادینه شدن تصوف و قاعده‌مند شدن مقتدرانه آن توضیح داد. به این‌ها می‌توانیم ملاحظات سیاسی را نیز اضافه کنیم.

در هر یک از سه موردی که در این‌جا مورد مطالعه قرار گرفت، مزار شیخ توسط یک مقبره گنبددار به اندازه یکسان مشخص شده است. اندازه دهانه گنبد واقع در نطنز ۶ متر است و به وسیله یک طاق مقرنس (تصویر ۳) پوشیده شده و پوسته بیرونی گنبد را سقف هرمی لعاب‌داری فراگرفته است (تصویر ۲). دهانه گنبد مقبره زین‌الدین در گورستان قاهره ۵ متر است و توسط یک گنبد با تزئینات خیاره‌ای به فرم خربزه پوشیده شده است (تصاویر ۷-۸). مقبره ابومدین در خارج تلمسان در قرن هجدهم بازسازی شد، اما احتمالاً اندازه (۵ متری) و فرم اصلی (سقف هرمی) خود را حفظ کرده است (تصویر ۱۱). سنت‌های معماری بومی، مصالح و مشخصات گنبد را تعیین می‌کردند، اما بدیهی است که یک «نوع ایده‌آل» از مقبره شیخ وجود دارد که در سرتاسر جهان اسلام قابل تشخیص است. از نظر مقیاس با آرامگاه‌های سلطنتی معاصر تفاوت فاحشی داشت: به عنوان مثال، در صفه آرامگاه بیبرس جاشنکیر^{۱۴} در مجاورت خیابان اصلی قاهره قدیم، دهانه طاق با ابعاد ۱۱.۳ متری؛ و آرامگاه سلطان ایلخانی اولجایتو در سلطانیه، اندازه دهانه طاق ۲۶ متر

می‌باشد. مقابر نطنز، قاهره و عبّاد به طور واضحی زیارتگاه عرفای مشهور بودند و همچنین مقیاس دهانه گنبد این مقابر از مزار قدسان سنت «والا» مانند امام شافعی که دهانه گنبد مقبره او در قاهره ۱۵.۳ متر اندازه دارد متمایز است.

چندین نوع عملکرد ساختمانی در این مجموعه‌های آرامگاهی مورد نیاز بود. که یکی از آن‌ها فضای مشترک بود. در نطنز، این عملکرد یک مسجد چهارایوانی با محراب با پوشش سقف گنبدی (تصویر ۲) و در عبّاد یک مسجد شبستانی سرپوشیده بود (تصویر ۱۴). در حرم زین‌الدین یوسف در قاهره، فضا با گذشت زمان تکامل یافت: شالوده اصلی شامل نوعی فضای مجاور مقبره در محدوده دیوارهای جنوب شرقی و شمال شرقی بود. سپس در سال ۱۳۲۵ میلادی، این طرح به یک طرح چهار ایوانی تبدیل شد. این فضاها می‌توانند در انواع مختلف اجتماعات عمومی، از نماز جمعه گرفته تا تلاوت و رقص با الهام از سماء صوفیان خدمت‌رسانی کنند.

مجموعه‌ها، شامل اقامتگاه نیز می‌شدند. خانقاه نطنز تخریب شد، اما احتمالاً از طرح چهار ایوانی معماری ایرانی تبعیت می‌نمود و در خانقاه‌های دیگری مانند شیخ تقی‌الدین دادا محمد در بندرآباد این سیاق مورد استفاده قرار گرفت.^(۱۲) وقفنامه مقبره [واقع] در عبّاد از «زاویه» ای نام می‌برد که ممکن است با بنایی معروف به دارالسلطان مرتبط باشد. اقامتگاه مقبره زین‌الدین یوسف در قاهره را نمی‌توان به وضوح، جزء به جزء بازسازی نمود، اما ممکن است جانمایی فضاها به گونه‌ای بوده که مریدان وی در مناطق ناتمام در غرب [مجموعه] اقامت داشتند.

مجموعه ابومدین شامل واحد اقامتی دیگری به نام مدرسه است (تصاویر ۱ و ۱۶). مدرسه، قسمت عمده‌ای از مجموعه بود، تقریباً به اندازه مساحت مسجد و ۳۲ غرفه برای طلبان، واحدی با ۴ اتاق تو در تو و ۸ سرویس بهداشتی را برای طلبان فراهم می‌نمود. این مجموعه، به عنوان مرکز مهمّ تعلیم و تربیت در مراکش باقی ماند و فیلسوف و دانشمند مشهور ابن‌خلدون در آن‌جا تحصیل نمود. علاوه بر اندازه، شرایط حفاظت از مدرسه بسیار چشمگیر است، زیرا یکی از نخستین واحدهای اقامتی است که محافظت می‌گردد و به ما تصویر خوبی از شیوه زندگی دانش‌آموزان در دوره قرون

^{۱۴} الملك المظفر رکن‌الدین بیبرس الجاشنکیر المنصوری

^{۱۲} Trimingham

^{۱۳} نویسنده معنای ظاهری کلمه اوتاد که جمع وتد و به معنای میخ است را مراد کرده است. اوتاد طبقه‌ای در سلسله مقامات صوفیانه هستند.

یکی از ابعاد، توجه به امکانات و وضوح است. آندره ریموند^{۱۵} این ایده را مطرح کرده که تعداد حمام‌ها می‌تواند شاخص قابل توجهی برای میزان جمعیت یک شهر باشد.^(۱۶) در غیاب داده‌های دیگر، آیا تعداد سرویس‌های بهداشتی و حمام‌ها می‌تواند به تعیین میانگین و تعداد بازدیدکنندگان مجموعه‌های آرامگاهی کمک کند؟ دشواری این روش این است که آب و به‌خصوص بخار حاصل از حمام‌ها، ساختمان‌ها را تخریب می‌کند و تعداد کمی حمام نیز از دوره قرون وسطی باقی مانده‌اند. حمام‌های مقبره نطنز همزمان با ساخت مسجد جدید در محل خانقاه اصلی بازسازی شده‌اند. اطلاعاتی از آن‌هایی که در مقابل نمای زاویه در قاهره کاوش شده منتشر نشده است. با این حال اطلاعات مکفی در خصوص بناهای عبّاد وجود دارد. سرویس‌های بهداشتی آن طرفِ دالان شرقی مسجد از نظر تعداد با سرویس‌های بهداشتی مدرسه برابر است. این برابری تعداد، تعداد یکسانی از کاربران را نشان می‌دهد. علاوه بر این، حمام مجموعه «عبّاد» با طرح پیچیده خود در جبهه جنوبی تخریب نگردیده است.

سند وقف برجای مانده اهمیت بازدیدکنندگان حرم ابومدین را نشان می‌دهد. نوشته‌ای روی یک تخته سنگ مرمرین محصور در ستون سمت چپ محراب به ابعاد ۶۵ در ۱۲۳ سانتی‌متر حک گردیده است. مشخصات املاکی (باغچه‌ها، باغات، خانه‌ها، آسیاب‌های بادی، حمام‌ها و اراضی) که توسط سلطان ابوالحسن علی خریداری شده و به مجموعه اهدا شده در وقف‌نامه برشمرده شده است. یکی از آن‌ها یک قطعه زمین قابل کشت به ابعاد ۲۰ جفت^(۱۷) بود که مقرر بود جهت تهیه غذا در زاویه برای فقرا و بازدیدکنندگان ساکن یا موقت، بهره‌برداری گردد. طرح دیگری به ابعاد ۱۰ زوج برای حفظ جیره آب اعضای مدرسه با نرخ ۱۵ صاع^(۱۸) برای هر طلبه در ماه بود. مقیاس نسبی طرح‌ها حاکی از آن است که نسبت صوفیان و بازدیدکنندگان به تعداد دانشجویان در مدرسه دو به یک، بیشتر است.

ملاحظات معمارانه نیز بر اهمیت موضوع زیارت برای این مجموعه‌ها دلالت دارد. یکی از بارزترین ویژگی‌های هر سه مورد مطالعاتی، جزئیات تزئینات خارجی است. مقبره شیخ در مرکز مجموعه، همان‌گونه که انتظار می‌رود، ظریف‌ترین تزئینات موجود را به خود اختصاص داده است: کاشی‌های براق و گنبد مقرنس باشکوه در نطنز (تصویر ۳)، منبت‌کاری مرمرین و یک

وسطای اسلامی می‌دهد. از این معبر می‌توان تصور کرد که ساختمان‌های در حال حاضر ویران شده مانند خانقاه در نطنز تقریباً چگونه ساخته شده بودند. ترمینگام خاطرنشان کرده است که بر خلاف عرف عرب در خاور نزدیک، تحت تعلیمات بنی‌مرین فقه و تصوف معاشرانی متقابل و متسامح بودند، و تصوف موضوعی سازگار با علوم دینی در نظر گرفته شده بود.^(۱۳) همین امر در ایران هم‌عصر با این دوره، تحت حکومت ایلخانیان صادق بود که برای موقوفات مجموعه‌های بزرگ آرامگاه سلطنتی، جهت مطالعه علوم حقوقی و تصوف مقرر گردیده بودند. مجموعه آرامگاه غازان خان خارج از تبریز شامل دو مدرسه (یکی برای حنفیان و دیگری برای شافعیان) و یک خانقاه بود. مجموعه وزیر وی، رشیدالدین، دارای خانقاهی با پنج صوفی بود (که بعداً به ده نفر افزایش یافت). دو استاد (یکی برای علوم قرآن و روایات، دیگری برای سایر علوم) به ۱۲ دانشجو در مساجد زمستانی و تابستانی در ساختمان حاوی مقبره وی (روضه) آموزش می‌دادند. برتری فقه بر تصوف را می‌توان در حقوق تخصیص یافته اساتید مشاهده کرد: اساتید علوم دیگر سالانه ۵۰۰ دینار دریافت می‌نمودند، در حالی که شیخ فقط ۱۵۰ دینار مواجب می‌گرفت (بعداً با افزایش تعداد صوفیان، دو برابر شد و به ۳۰۰ دینار رسید).^(۱۴) مجموعه‌های اطراف آرامگاه دو پیشوای محلی در یزد نیز شامل مدرسه و خانقاه بود.^(۱۵)

در کنار فضا و امکانات رفاهی برای ساکنان، این مجموعه‌ها همچنین برای بازدیدکنندگان و مسافران تدارک دیده شده بودند. هر سه دارای اتاق‌های اضافی در مجاورت ورودی هستند که به خوبی می‌توان از آن‌ها برای اسکان بازدیدکنندگان استفاده نمود. در نطنز، اتاق‌های پشت مناره در بازه زمانی سال‌های ۱۳۲۴-۲۵ گسترش یافتند و اتاق‌های دیگر در دو اشکوب با رواق‌های طاق‌دار ممکن است محل اقامت دیگری بوده باشند. اتاق کوچک در شمال درگاه ورودی در مدرسه علوم دینی زین‌الدین یوسف نیز ممکن است عملکردی مشابه داشته باشد. در عبّاد، دو اتاق کوچک به هشتی ورودی مسجد گشوده می‌شوند. این اتاق‌های فرعی کوچک ممکن است حاکی از آن باشد که بازدیدکنندگان به اندازه ساکنان از اهمیت و تعدد زیادی برخوردار نبوده‌اند، اما شواهد مثال دیگر - از نظر معماری و ادبی - نشان می‌دهد که چنین نبوده است.

^{۱۵} André Raymond

است، اما ابراهیم اثبات نمود که باید تاریخ ساخت آن را با ایوان‌ها هم‌زمان دانست و بنابراین یکی از چندین نمونه معاصر است. همان‌گونه که وی متذکر گردید، این درگاه در نیمه اول قرن چهاردهم ویژگی منحصربه‌فردی در معماری قاهره داشت: ارتفاع درگاه ورودی به قدری بلند است که به‌طور قابل توجهی از ارتفاع دیوارهای نما فراتر می‌رود. در واقع تنها بناهای یادمانی دیگری که مدخل‌های آن‌ها بدین‌سان بلند است، بناهایی هستند که تقریباً یک قرن بعد توسط شیخ مملوک مؤید ساخته شده‌اند.^(۲۰)

بدیهی است که ورودی مرتفع در زوایه زین‌الدین یوسف به عنوان یک جاذبه کافی نبود، بنابراین گام سوم، ساخت دومین مدخل مهم در جهت شمال شرقی بنا در بازه زمانی سال‌های ۳۶-۱۳۳۵ میلادی بود. ارتفاع آن به بلندای درگاه اولیه و همچنین با طاق مقرنس برجسته گردیده است. احتمالاً این ورودی دسترسی به کل مجموعه و متعلقات آن را از خیابان اصلی مجاور شهر مردگان (غرافه) را فراهم کرده است. شاید این درگاه‌های بلند برای جبران کمبود مناره، بهترین جایگزین میل راهنما برای مسافران از فواصل دوردست باشند. در کتب راهنمای زیارت قرون وسطی ذکر آمده که مدارس، مساجد، امامزاده‌ها و سایر موقوفات دارای مناره بوده‌اند، اما تنها مورد مرتبط با مجموعه زین‌الدین یوسف، که دیگر موجود نیست اما در عکس‌های قدیمی به چشم می‌خورد، مربوط به اواخر دوران عثمانی و با فاصله‌ای اندک از شمال شرقی قرار داشت.

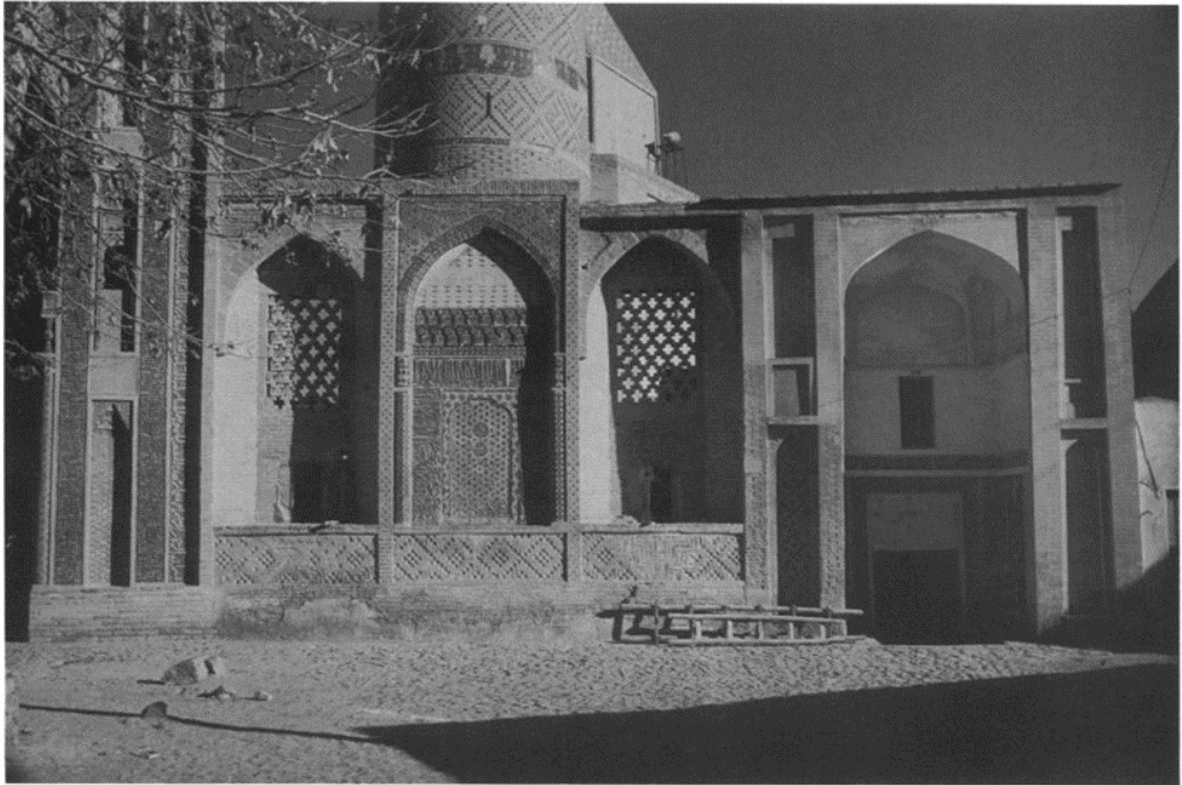
این سه نمونه در اطراف مقبره‌های عبدالصمد در نطنز، زین‌الدین یوسف در قاهره و ابومدین در خارج از تلمسان نشان می‌دهد که مجموعه‌های مقدس صوفیان در اوایل قرن چهاردهم، مکان‌هایی جهت عزلت‌نشینی مانند رباط‌های اولیه که فقرا، افراد نیازمند یا عرفا در آن‌ها از جهان پیرامون انزوا می‌جستند، نبودند، بلکه بیشتر مؤسسات اجتماعی بودند که در آن‌ها، متوفیان با ستایش حیات، یاد می‌شدند. آن‌ها جذابیت، سرزندگی و محبوبیت بیشتری نسبت به بنیادهای علمی و رسمی داشتند.^(۲۱) جای تعجب ندارد که این بطوطه بیش از بیست و پنج سال از بازدید آن‌ها لذت برد.

گنبد مقرنس فاخر دیگر در قاهره (تصویر ۷). توجه به نمای اصلی نیز به همان اندازه چشم‌نواز بود. این امر به ویژه در نطنز مشخص است، جایی که سعی شده ساختمان‌های دارای جهت‌گیری نامنظم در نمای جنوبی مشابه تجمیع گردند (تصویر ۱). تزئینات کاشی و آجری ظریف و رنگارنگ (شکل ۴) در تضاد آشکار با نمای بیرونی ساده و ناتمام در طرف دیگر قرار دارد. هم مسجد و هم مدرسه در عباد دارای ورودی‌های کاشی‌کاری شده هستند (تصاویر ۱۲، ۱۵)، و این مسجد دارای یک طاق مقرنس باشکوه است. مناره‌های این دو مجموعه (تصاویر ۱، ۹) هم‌چنین می‌توانند به عنوان میل راهنما برای بازدیدکنندگانی که از دوردست می‌آیند، کاربرد داشته باشند.

زیارتگاه‌های تلمسان و نطنز، مجموعه‌هایی با ساختار نامنظم هستند که متناسب با فضای موجود رشد نموده‌اند. در این دو مجموعه شرایط توپوگرافی موجود مورد توجه قرار گرفته است. مقبره زین‌الدین یوسف در قاهره کمی متفاوت است، زیرا در یک آرامستان شهری بنا شده است. آرامستان‌های قاهره مکان‌های شناخته‌شده‌ای برای زیارت بودند و راهنمایان بازدیدکنندگان علاوه بر بازدیدهای معمول در روزهای پنجشنبه، جمعه و اعیاد، زیارت‌هایی به مدت یک، دو و سه روزه را در شهر مردگان (غرافه) برگزار می‌نمودند. دو نفر از آن‌ها از مقبره زین‌الدین نام می‌برند.^(۱۹) زیارت آن‌جا آسان‌تر و احتمالاً کوتاه‌تر از بازدیدهایی بود که از شهرهای کوچکی مانند نطنز یا عباد انجام می‌شد و به راحتی می‌توان فهمید که چرا اقامت کوتاه‌تری در نطنز و عباد پیش‌بینی شده است.

با این وجود حتی در یک بافت شهری، جذب بازدیدکننده حائز اهمیت بوده است. شالوده اصلی مقبره زین‌الدین یوسف، مانند بسیاری دیگر در شهر مردگان (غرافه)، پیش‌تر دارای گنبدی بلند بود که از دوردست دیده می‌شد. هنگامی که این مجموعه در سال ۱۳۲۵ میلادی گسترش یافت و از آرامگاه به زیارتگاه تبدیل شد، جذابیت بیشتری لازم بود و ورودی آن توسط یک درگاه بلند در دیواره شمال شرقی برجسته گردید (شکل ۵ و ۶). کرسول^{۱۶} که تصور می‌کرد این ورودی بخشی از ساخت‌وساز اولیه است، آن را اولین نمونه موجود از درگاه مقرنس در مصر خوانده

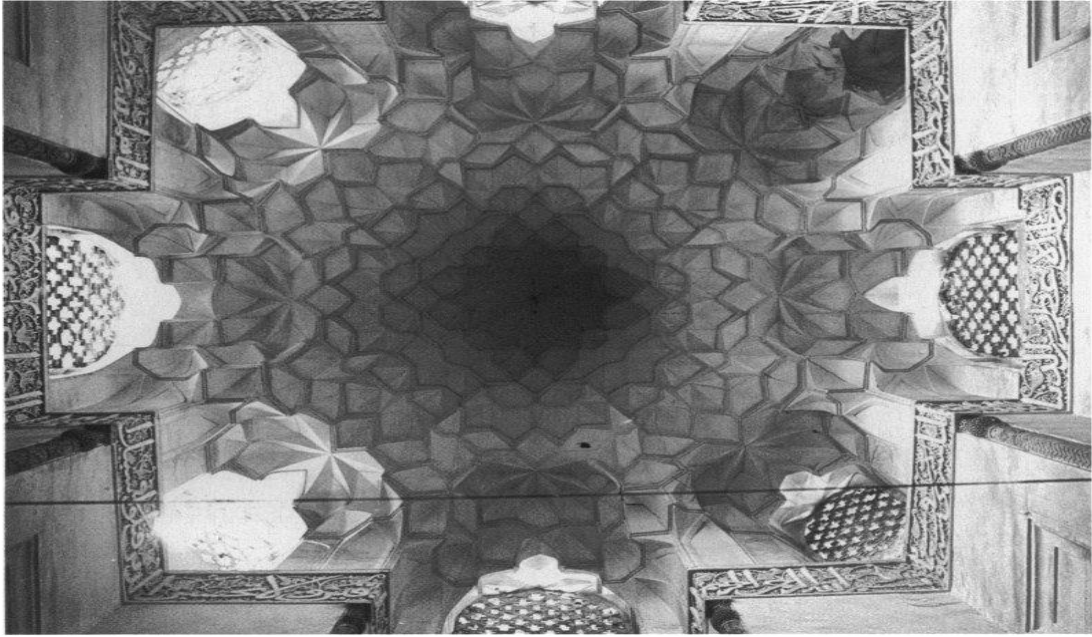
^{۱۶} Keppel Archibald Cameron Creswell



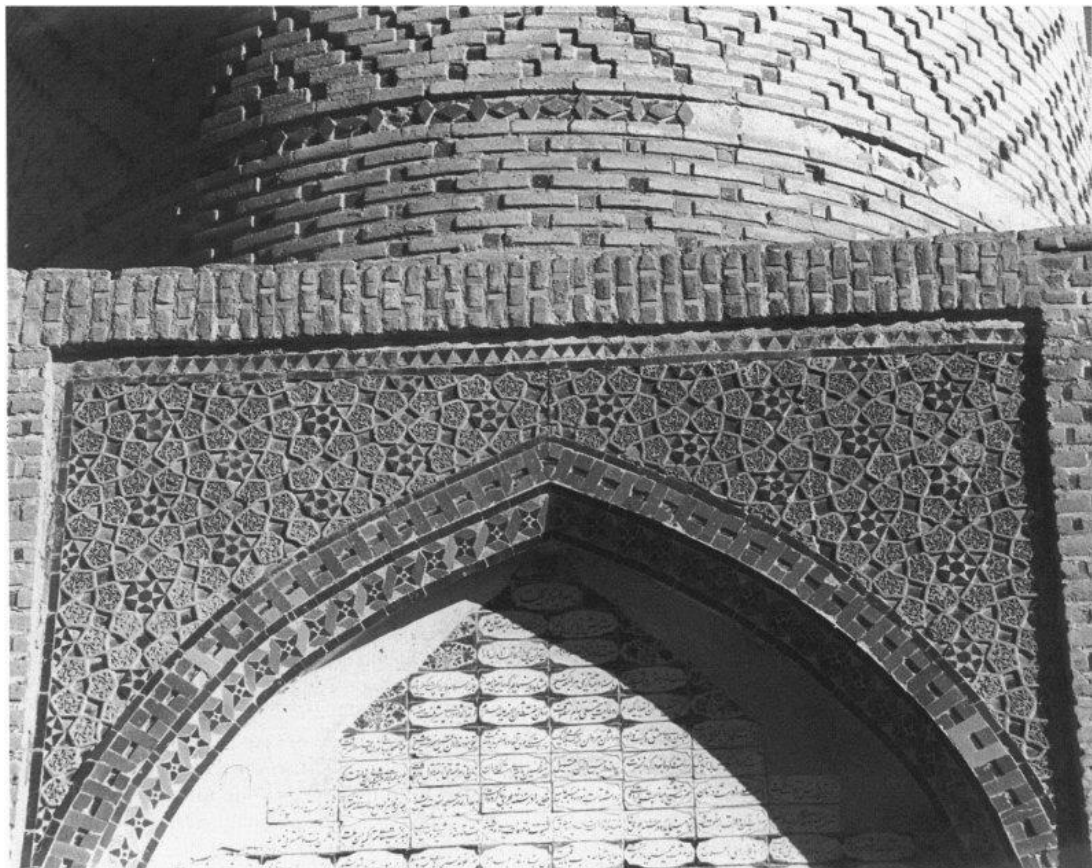
تصویر ۱



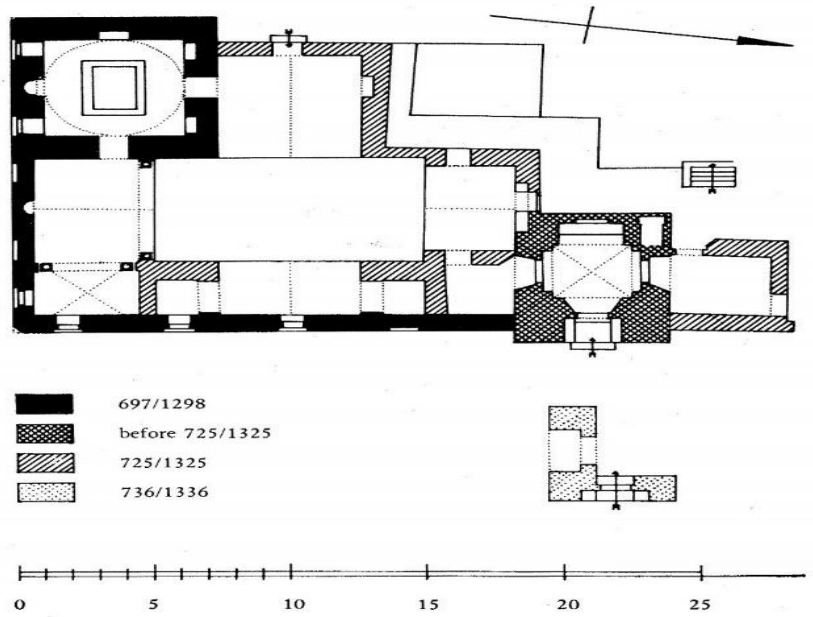
تصویر ۲



تصویر ۳



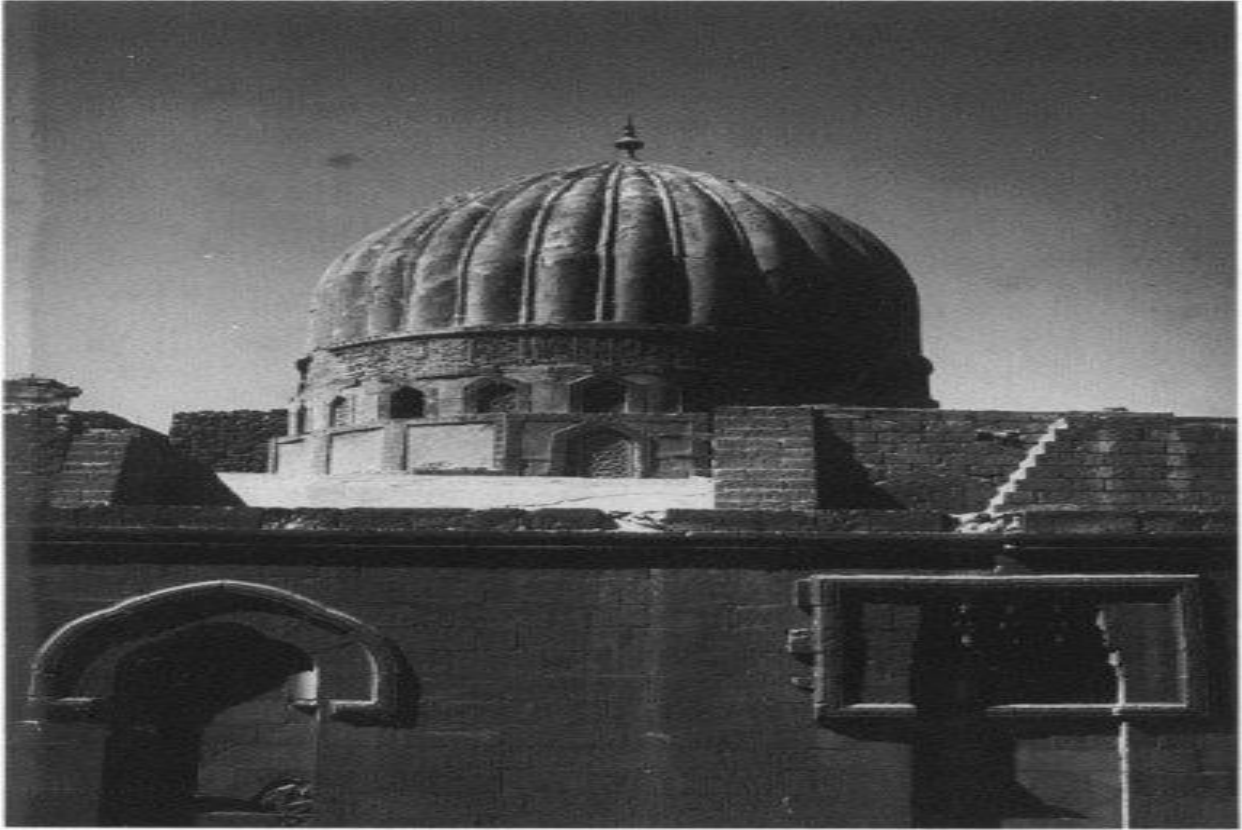
تصویر ۴



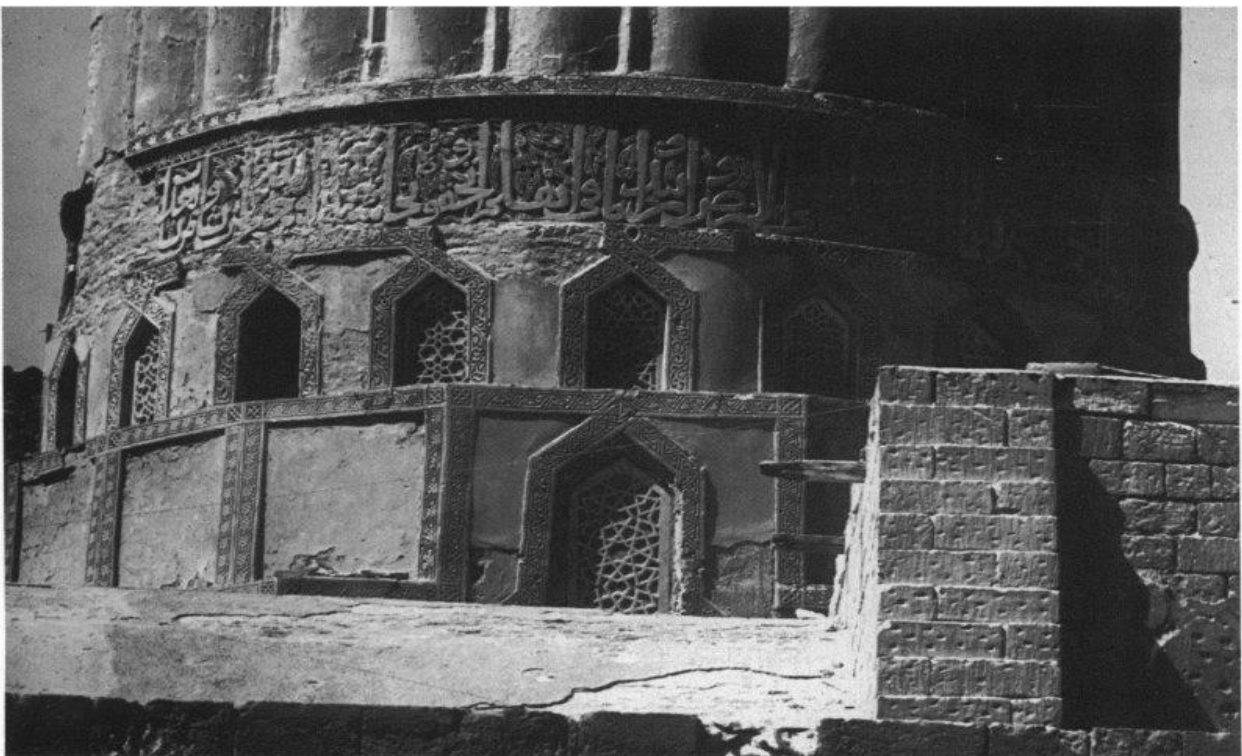
تصویر ۵



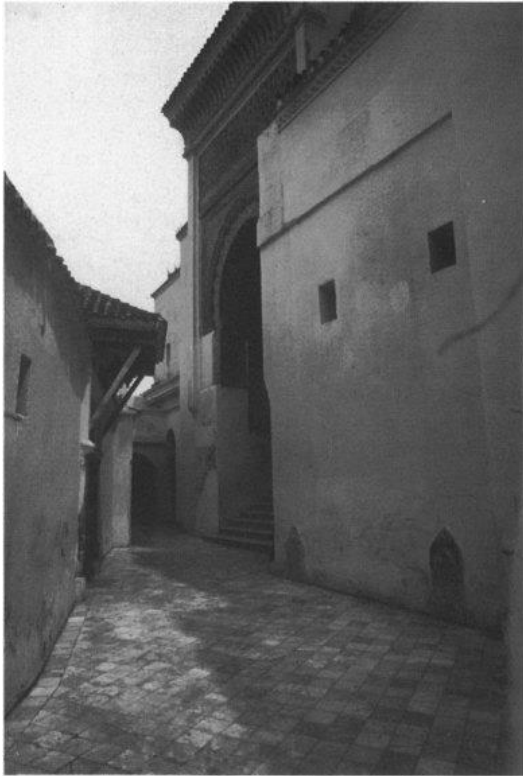
تصویر ۶



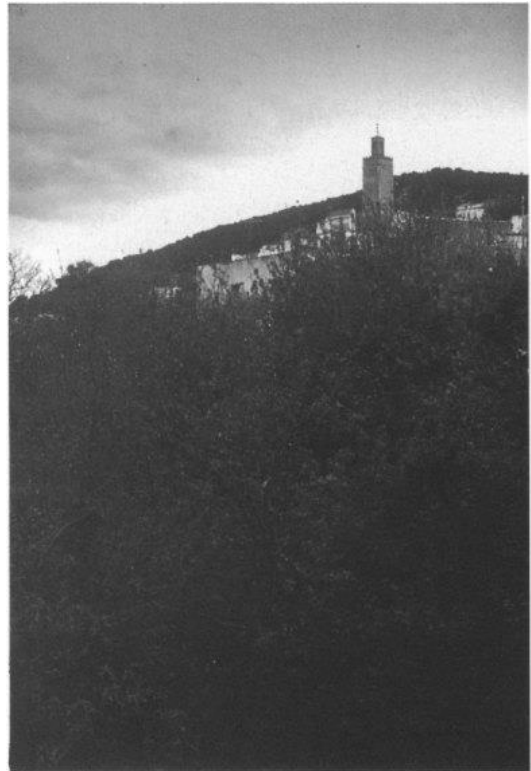
تصویر ۷



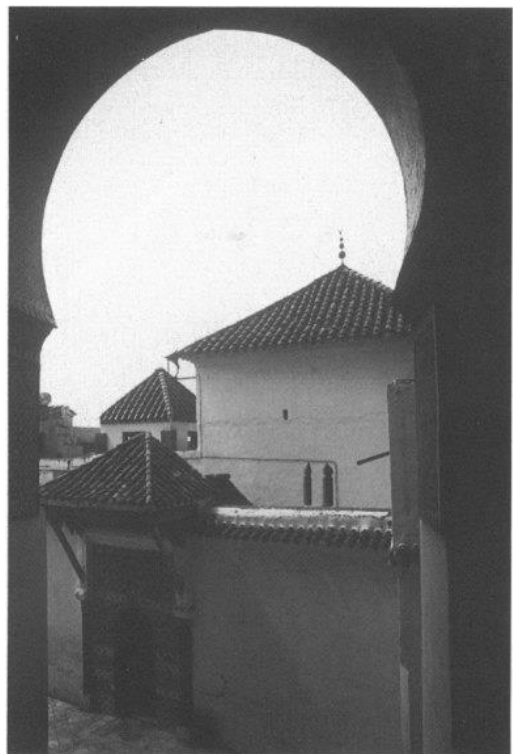
تصویر ۸



تصویر ۱۰



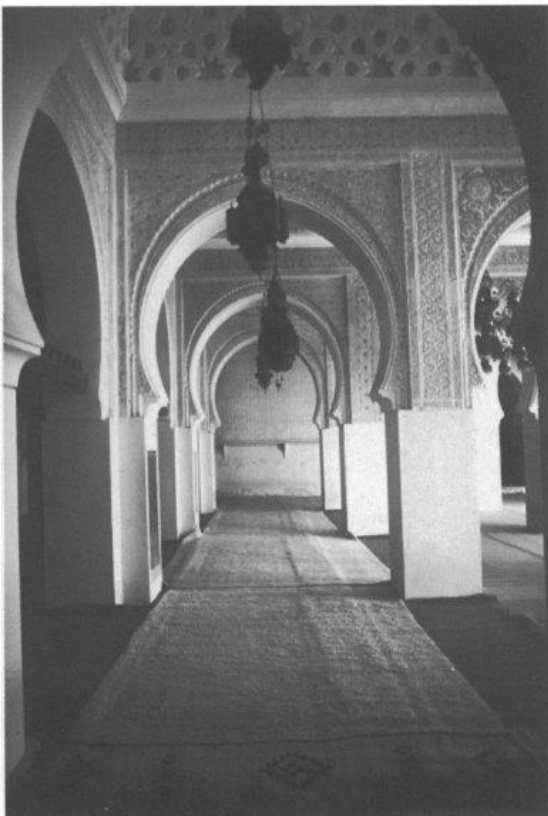
تصویر ۹



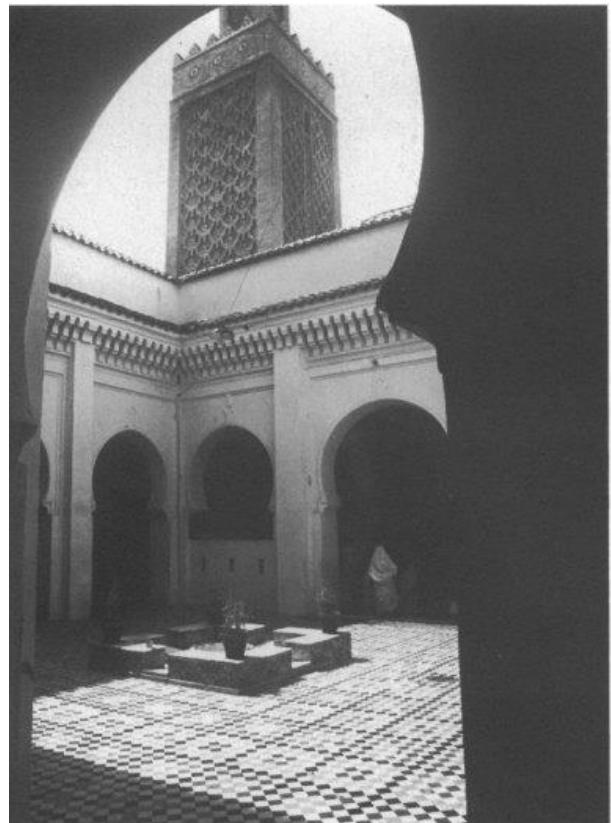
تصویر ۱۱



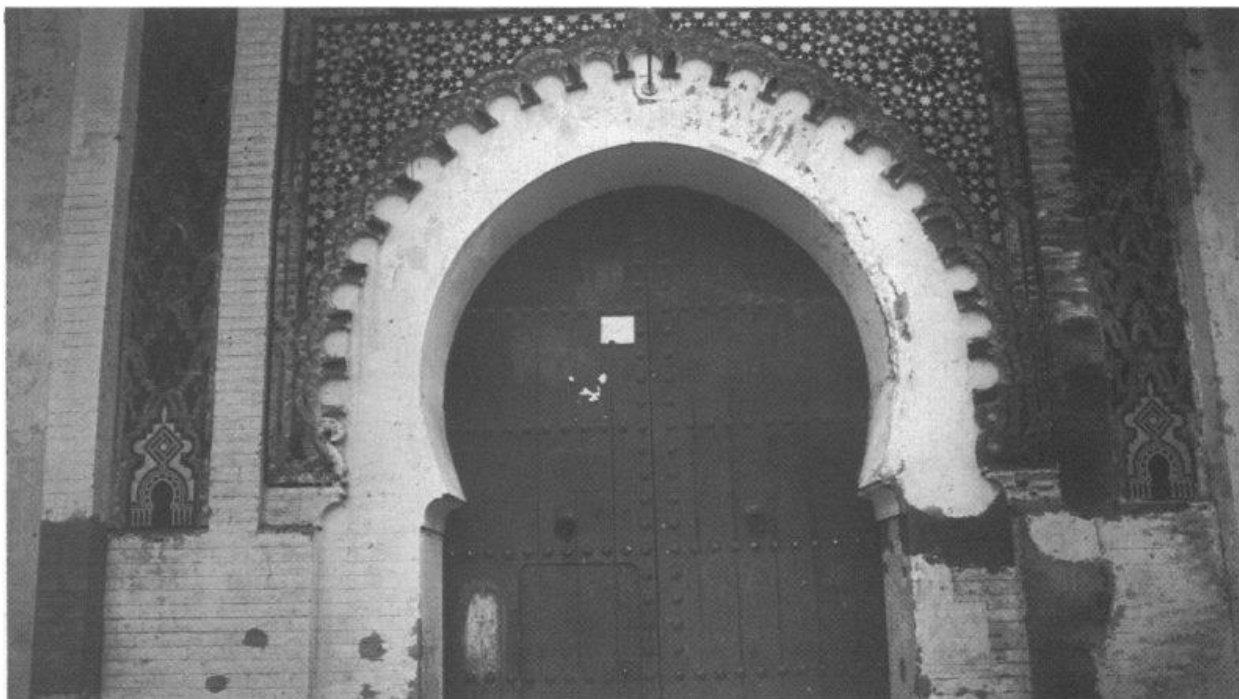
تصویر ۱۲



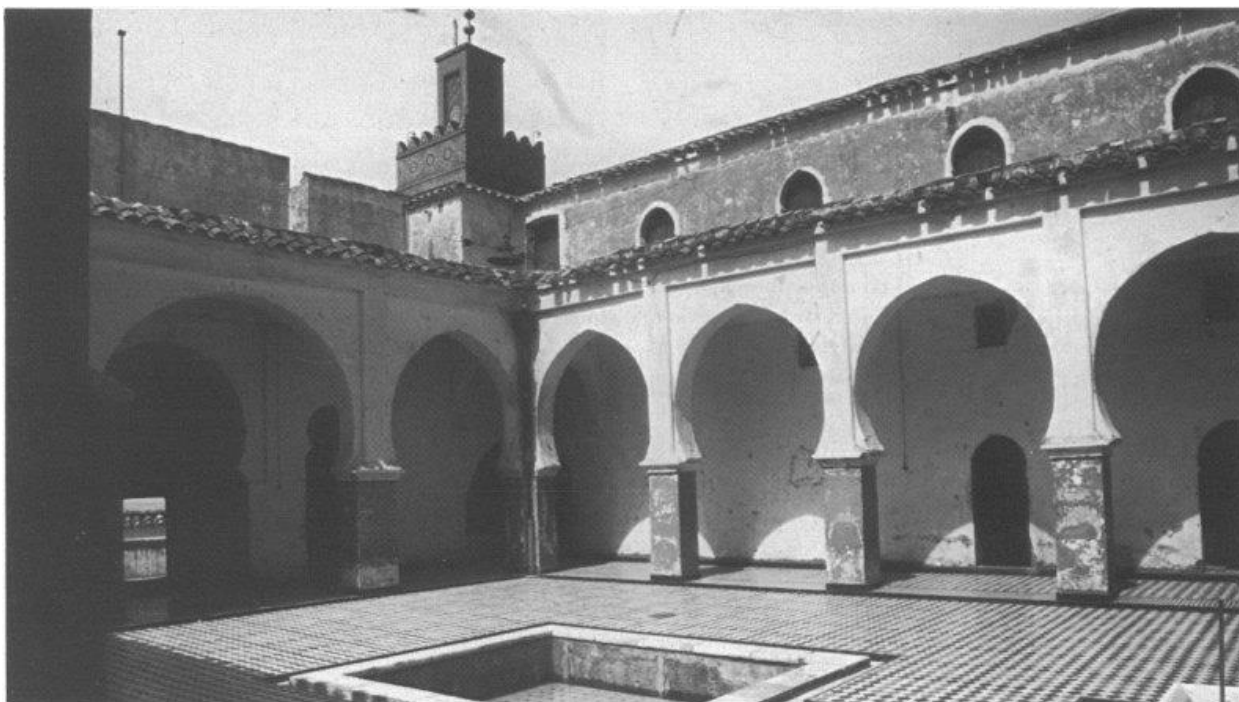
تصویر ۱۴



تصویر ۱۳



تصویر ۱۵



تصویر ۱۶

۱. نطنز. مقبره عبدالصمد. نمای مجموعه از جنوب.
۲. نطنز. مقبره عبدالصمد. نمایی از زاویه دید فراز مناره که راهروی مرکزی، سقف مقبره و مسجد چهارایوانی را نشان می‌دهد.
۳. نطنز. مقبره عبدالصمد. گنبد مقرنس در مقبره شیخ.
۴. نطنز. مقبره عبدالصمد. جزئیات کاشی‌کاری سهرنگ در نما.
۵. قاهره. مقبره زین‌الدین یوسف. پلان.
۶. قاهره. مقبره زین‌الدین یوسف. چشم‌اندازی از نمای شمال شرقی.
۷. قاهره. مقبره زین‌الدین یوسف. گنبد با تزئینات خیاره‌ای بر فراز مقبره شیخ.
۸. قاهره. مقبره زین‌الدین یوسف. جزئیات تزئینات پیرامون پایه گنبد بر فراز مقبره شیخ.
۹. عباد. مقبره ابومدین شعیب. چشم‌انداز از پایین.
۱۰. عباد. مقبره ابومدین شعیب. چشم‌اندازی از راه باریک به انضمام ورودی مقبره در سمت چپ و ورودی مسجد در سمت راست.
۱۱. عباد. مقبره ابومدین شعیب. چشم‌انداز مقبره شیخ.
۱۲. عباد. مقبره ابومدین شعیب. چشم‌انداز طاق مقرنس در هشتی ورودی مسجد.
۱۳. عباد. مقبره ابومدین شعیب. حیاط مسجد به انضمام مناره.
۱۴. عباد. مقبره ابومدین شعیب. نمازخانه مسجد از جهت شرقی.
۱۵. عباد. مقبره ابومدین شعیب. ورودی مدرسه با تزئینات کاشی‌کاری.
۱۶. عباد. مقبره ابومدین شعیب. حیاط مدرسه از جهت جنوب غربی.